



An Analysis of the Impacts of "Matching" (*Tatbiq-garayi*) the Signs of Reappearance on Beliefs and Social Behaviors (Case Study: The "Mahdaviyat" Sect)*

Mehrdad Nadarlou¹

Hojjat Heidari Cherati²

1. Level 4 Student, Department of Deviant Sects, Mahdaviyat Specialized Center, Hawza Ilmiyya of Qom, Qom, Iran (**Corresponding Author**).
ndrlwmhrdad5@gmail.com
2. Ph.D. in History of Islam, Department of Deviant Sects and Movements, Mahdaviyat Specialized Center, Qom, Iran.
hedaricharati@gmail.com

Abstract

In the mid-1990s, a group was formed in Tehran under the name "Mahdaviyat," claiming that the awaited *Khorasani* sign in Mahdist traditions referred to a person named Mohammad Hosseini Milani. The present research investigates the intellectual and social consequences of this group. The central issue of the research is how "matching" (the act of applying prophetic signs of the Reappearance to contemporary figures) can lead to ideological deviations and extreme behaviors in society. The research methodology is descriptive-analytical, utilizing a documentary approach and a case study. The

* Nadarlou, M. & Heidari Cherati, H. (2025). An Analysis of the Impacts of "Matching" (*Tatbiq-garayi*) the Signs of Reappearance on Beliefs and Social Behaviors (Case Study: The "Mahdaviyat" Sect). *Mahdavi Society*, 6(2), pp. 275-305.

<https://doi.org/10.22081/jm.2026.74824.1138>

▣ **Type of article:** Research Article * **Publisher:** Islamic Sciences and Culture Academy

▣ **Received:** 2025/04/12 • **Revised:** 2025/06/10 • **Accepted:** 2025/07/24 • **Available Online:** 2025/09/23

© 2025

authors retain the copyright and full publishing rights



findings demonstrate that by applying the signs of the Reappearance to himself and claiming deputyship, Milani undermined the status of the jurists, promoted false sanctity and the discourse of *takfir* (excommunication), and paved the way for sectarian violence and criminal acts. Ultimately, the research process proves that extreme "matching" is a serious threat to the epistemological health and social security of the Islamic community.

Keywords

Mahdaviyat, Matching (*Tatbiq-garayi*), Signs of Reappearance, The "Mahdaviyat" Sect, Religious Deviation.



واکاوی تأثیرات تطبیق گرایی علائم ظهور در باورها و رفتارهای اجتماعی (مطالعه موردی گروه مهدویت)*

مهرداد ندرلو^۱ و حجت حیدری چراتی^۲

۱. طلبه سطح چهار، گروه فرقه‌های انحرافی، مرکز تخصصی مهدویت، حوزه علمی قم، قم، ایران (نویسنده مسئول).

ndrlwmhrdad5@gmail.com

۲. دکترای تاریخ اسلام، گروه فرق و جریان‌های انحرافی، مرکز تخصصی مهدویت، قم، ایران.

hedaricharati@gmail.com

چکیده

در میان دهه ۱۳۷۰ گروهی با ادعای تطبیق نشانه خراسانی موعود در روایات مهدوی، بر شخصی به نام محمد حسینی میلانی، در تهران شکل گرفت که موسوم به گروه «مهدویت» شد. پژوهش حاضر به بررسی پیامدهای فکری و اجتماعی این گروه پرداخته است. مسئله اصلی تحقیق آن است که چگونه تطبیق گرایی در نشانه‌های ظهور می‌تواند به انحرافات عقیدتی و رفتارهای افراطی در جامعه تبدیل شود. روش تحقیق، توصیفی - تحلیلی با رویکرد اسنادی و مطالعه موردی است. یافته‌ها نشان می‌دهد که میلانی با تطبیق نشانه‌های ظهور بر خویش و ادعای نیابت، ضمن تخریب جایگاه فقها، ترویج قداست کاذب و گفتمان تکفیر، زمینه بروز خشونت فرقه‌ای و اقدامات مجرمانه را فراهم کرد. در نهایت، روند پژوهش اثبات می‌کند که تطبیق گرایی افراطی تهدیدی جدی برای سلامت معرفتی و امنیت اجتماعی جامعه اسلامی است.

کلیدواژه‌ها

مهدویت، تطبیق گرایی، نشانه‌های ظهور، گروه مهدویت، انحراف دینی.

* ندرلو، مهرداد؛ حیدری چراتی، حجت. (۱۴۰۴). واکاوی تأثیرات تطبیق گرایی علائم ظهور در باورها و رفتارهای اجتماعی (مطالعه موردی گروه مهدویت). جامعه مهدوی، ۶(۲)، صص ۲۷۵-۳۰۵.

<https://doi.org/10.22081/jm.2026.74824.1138>

□ نوع مقاله: پژوهشی؛ ناشر: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.

□ تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۱/۲۲ • تاریخ اصلاح: ۱۴۰۴/۰۳/۲۰ • تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۵/۰۲ • تاریخ انتشار آنلاین: ۱۴۰۴/۰۷/۰۱

© ۱۴۰۴ «نویسندگان دارنده حق مؤلف مقاله خود بدون محدودیت هستند»



مقدمه

بدون تردید، اندیشه مهدویت به عنوان رکنی بنیادین در عقاید شیعی، نقشی کلیدی در جهت دهی به باورها و رفتارهای اجتماعی دارد؛ اما همین جایگاه مهم سبب شده تا این آموزه دچار آسیب‌هایی از سوی گروه‌های انحرافی شود. تطبیق‌گرایی نشانه‌های ظهور یکی از این آسیب‌هاست. هرچند این عمل گاه با انگیزه تقویت امید و پویایی جامعه دینی انجام می‌پذیرد، اما اغلب به دلیل برداشت‌های سطحی و غیرکارشناسانه، به گواهی تاریخ پیامدهای منفی متعددی به دنبال داشته است.^۱

در این راستا، ظهور مدعیان دروغین و جریان‌های انحرافی از پیامدهای منفی تطبیق‌گرایی نشانه‌های ظهور است. کمتر مدعی یا جریان انحرافی یافت می‌شود که برای مشروعیت‌بخشی به ادعاهایش از این رویکرد بهره نبرد. آن‌ها با تطبیق وقایع بر شخصیت خود، می‌کوشند خویش را بازیگران اصلی عصر غیبت، رابط امام یا چهره‌های زمینه‌ساز معرفی کنند و جایگاهی قدسی برای خود بسازند؛ جریان‌هایی که گاه حتی اساس تشیع و اسلام را به چالش کشیده‌اند.^۲

گروه موسوم به گروه مهدویت یکی از نمونه‌های برجسته در این زمینه می‌باشد که نتیجه رویکرد تطبیق‌گرایانه در نشانه‌های ظهور است. گروهی که از این طریق توانسته بود باورهای پیروان خود را جهت دهی نموده و رفتارهای اجتماعی آن‌ها را به سوی

۱. در طول تاریخ، جریان‌های پرشماری تلاش کرده‌اند تا خود را با نشانه‌های ظهور و زمینه‌سازان حکومت مهدوی منطبق سازند؛ از جمله این موارد می‌توان به قیام‌های حسینیان مانند حسن بن زید بن محمد بن اسماعیل بن حسن بن زید بن حسن علیه السلام در سال ۲۵۰ قمری در طبرستان، قیام اسماعیل بن یوسف بن ابراهیم عبدالله بن الحسن المثنی در سال ۲۵۱ قمری در مکه، و قیام محمد بن جعفر بن حسن بن جعفر بن الحسن المجتبی علیه السلام در ری اشاره کرد (عرفان، ۱۳۹۵، ص ۶۲). دولت بنی عباس نیز از جمله جریان‌هایی بود که روایات رایج سود را بر خود منطبق می‌دانست (اخبار دوله العباسیه بی‌تا، ص ۲۴۵). در دوران معاصر نیز جریان‌های انحرافی مانند احمد الحسن و منصور هاشمی خراسانی، هریک تلاش کرده‌اند تا خود را مصداق یکی از نشانه‌های ظهور و زمینه‌سازان حکومت مهدوی معرفی کنند (فتحه، ۱۳۹۶، ص ۱۴؛ و نیز ر.ک: رضوی، ۱۳۹۷؛ و نیز ر.ک: یعقوب، ۱۳۹۴).

۲. نمونه واضح آن را می‌توان در جریان بابت و بهائیت مشاهده نمود که اساساً منجر به ایجاد خطی در مقابل اسلام شد.

اعمال خشونت‌آمیز و تروریستی در جامعه ایران سوق دهد. این جریان توسط فردی به نام «محمد حسینی میلانی» هدایت می‌شد که با سوءاستفاده از روابط نسبی خود با برخی از بزرگان حوزه علمیه مشهد و به‌رغم مخالفت خاندانش، از نام خانوادگی وی جهت کسب اعتبار بهره‌برداری می‌کرد. وی با استندهای نادرست به روایات مهدوی، خود را به عنوان «خراسانی» زمینه‌ساز ظهور معرفی نمود. وی از این طریق جایگاهی ویژه در ذهن شیفتگانش یافت و با کنترل ذهنی، آنان را به رفتارهای خشونت‌آمیز سوق داد. اقدامات این گروه‌ک انحرافی نظیر ترور، سرقت و خلع سلاح پایگاه‌های بسیج، بر اساس باور به ادعای ادعای میلانی با هدف زمینه‌سازی برای ظهور انجام می‌گرفت. میلانی با تطبیق‌گرایی نشانه‌ها، افکار و رفتارهای اجتماعی اعضا را چنان جهت‌دهی کرد که به چالش‌های امنیتی و اقدامات افراطی در جامعه منتهی گردید.

بر این اساس، پژوهش حاضر می‌کوشد تا تأثیرات تطبیق‌گرایی نشانه‌های ظهور بر باورهای عمومی و رفتارهای اجتماعی را با تأکید بر گروه مهدویت میلانی واکاوی کند. پرسش اصلی این است: تطبیق‌گرایی چه تأثیری بر این باورها و رفتارها داشته و گروه مذکور چگونه از آن برای جذب پیرو و مشروعیت‌بخشی به ادعاهایش بهره برده است؟ برای این کار، پژوهش حاضر با روش توصیفی - تحلیلی و بهره‌گیری از شیوه اسنادی و مراجعه به منابع مکتوب انجام می‌شود. داده‌ها از منابع معتبر جریان‌های انحرافی مهدوی و دیگر منابع مرتبط گردآوری شده و با روش تحلیل محتوای کیفی بررسی خواهند شد. همچنین به منظور تحلیل تأثیرات اجتماعی و رفتارشناختی گروه مهدویت از نمونه‌های عینی و مستند در پرونده قضایی این جریان استفاده می‌شود.

ضرورت بررسی این مسئله از آن جهت است که برداشت‌های نادرست از نشانه‌های ظهور می‌تواند منجر به انحراف دینی، شکل‌گیری جریان‌های فرقه‌ای، و در برخی موارد، به بروز ناهنجاری‌های اجتماعی بیانجامد. بر همین اساس بررسی علمی و روشمند تأثیرات این رویکرد بر باورهای عمومی و رفتارهای اجتماعی به ویژه با تأکید بر گروه

مهدویت که تاثیر آن در این گروه به طور ملموس نمایان است، ضرورتی انکارناپذیر دارد. جایی که تفسیرهای شخصی از نشانه‌های ظهور، نه فقط به انحراف فکر که به تولید خشونت سازمان‌یافته انجامیده است.

در رابطه با پیشینه بحث، آنچه قابل ذکر است اینکه مطالعات پیشین در حوزه تطبیق‌گرایی نشانه‌های ظهور و پیامدهای آن در باورهای عمومی و رفتارهای اجتماعی، گسترده و متنوع بوده و عمدتاً به بررسی مبانی نظری تطبیق نشانه‌های ظهور و نقد آن از منظر دینی پرداخته‌اند. در این زمینه، پژوهش‌هایی نیز به تحلیل جریان‌های انحرافی و نقش آن‌ها در بهره‌برداری از نشانه‌های ظهور برای جذب پیروان و مشروعیت‌بخشی به خود اختصاص یافته است.

از جمله این مطالعات می‌توان به مقاله «معیارهای تطبیق نشانه‌های ظهور» آیتی (۱۳۹۱) و مقاله «تطبیق‌گرایی روایات آخرالزمان در سریال غریب سود آدریانی و آصف آگاه (۱۳۹۵) اشاره کرد که به مبانی و معیارهای صحیح و ناصحیح در تطبیق نشانه‌های ظهور پرداخته‌اند. علاوه بر این، مطالعاتی نیز به ابعاد اجتماعی و امنیتی جریان‌های انحرافی مرتبط با تطبیق‌گرایی توجه داشته‌اند که از جمله آن‌ها می‌توان به مقاله «بررسی و تحلیل تهدیدهای امنیتی و اجتماعی گرایش به جریان‌های انحرافی مهدویت در جامعه ایران» حیدری چراتی و ندرلو (۱۴۰۲) و مقاله «تحلیل و بررسی جریان انحرافی منصور هاشمی خراسانی و نقش آن در ایجاد شکاف در همبستگی ملی و اتحاد اسلامی» حیدری چراتی و ندرلو (۱۴۰۰) اشاره کرد. همچنین، مقاله «بررسی جامعه‌شناختی فرقه‌گرایی مذهبی و تأثیر آن بر نظم و ثبات سیاسی» حاجیانی (۱۳۸۳) از دیگر مطالعات مرتبط با این حوزه است که به تأثیر جریان‌های انحرافی در بی‌ثباتی سیاسی پرداخته است. با این حال، پژوهش‌های انجام‌شده در دهه‌های اخیر، به‌طور خاص به بررسی تطبیق‌گرایی نشانه‌های ظهور و تأثیر آن بر روابط فکری و اجتماعی جامعه نپرداخته‌اند. این خلأ پژوهشی نشان می‌دهد که موضوع حاضر، به‌ویژه با توجه به تمرکز بر گروه مهدویت نوآورانه است و مسبق به سابقه نمی‌باشد.

۱. گروه مهدویت: رهبری، ادعاهای، ساختار و فعالیت‌ها

از آنجایی که در رابطه با گروه مهدویت، در گذشته تحقیقات پژوهشی مستقلی نگارش نیافته و این پژوهش جزو نخستین تحقیقات در این زمینه است، به منظور آشناسازی مقدماتی خوانندگان با گروه مهدویت، به معرفی این جریان، مشتمل بر روند شکل‌گیری، ادعاهای مطرح شده، ساختار سازمانی و دامنه فعالیت‌های آن پرداخته می‌شود.

الف) محمد حسینی میلانی و روند شکل‌گیری گروه مهدویت

جریان موسوم به «مهدویت» به عنوان یکی از گروه‌های انحرافی معاصر شناخته می‌شود که در سال ۱۳۷۴ هجری شمسی توسط فردی به نام «محمد حسینی میلانی» در جنوب تهران شکل گرفت. بر اساس اظهارات او، وی در سال ۱۳۲۱ شمسی (۱۳۶۲ق) در در کربلا متولد و دوران جوانی خود را در نجف اشرف سپری نموده است. محمد حسینی میلانی در تشریح سیر تحصیلات خود اذعان می‌دارد که پس از فراگیری روخوانی قرآن در سن پنج سالگی و سپس اتمام دروس متداول، وارد حوزه علمیه گردیده و به تحصیل دروس فقه و اصول در محضر آیت الله خوئی از سال ۱۳۴۴ تا ۱۳۵۴ شمسی (۱۳۸۵-۱۳۹۵ قمری) مبادرت ورزیده است (میلانی، ۱۴۱۷ق، ص ۳۷۹). وی در ادعایی خود ساخته عنوان می‌نماید که در اوان جوانی موفق به اخذ اجازه اجتهاد از شماری از مراجع تقلید شده و در زمان اقامت در نجف اشرف، به عنوان امام جماعت و مدرس حوزه علمیه فعالیت داشته است (میلانی، ۱۴۱۷ق، ص ۳۷۹).

میلانی یازده سال پس از اتمام تحصیلات حوزوی، در سال ۱۳۵۵ (۱۳۹۶ قمری) به ایران مهاجرت نموده و در شهر مشهد سکونت اختیار می‌کند. به تصریح میلانی، وی در طول اقامت در مشهد، به فعالیت‌هایی نظیر امامت جماعت، تدریس، تألیف، تصدی امور حسیه و ایراد سخنرانی در مناسبت‌های مذهبی پرداخته و اهتمام خود را بر دفاع از مذهب و مقابله با آنچه ظالمین، جائرین و منحرفین از ولایت امیرالمؤمنین (ع) می‌خواند، متمرکز نموده است. (میلانی، ۱۴۱۷ق، ص ۳۷۹؛ گروه تالیف باشگاه اندیشه، ۱۳۸۴، ص ۱۴۳).

میلانی در جریان اقامت در مشهد در سال ۱۳۷۴ هجری شمسی (۱۴۱۵ قمری)، با اتخاذ راهبرد نفوذ از طریق تظاهر به مرجعیت علمی و دینی، به تعامل هدفمند با یکی از مسئولین یک هیئت مذهبی مستقر در جنوب تهران مبادرت می‌ورزد. (آرشیو گروه فرق مرکز تخصصی مهدویت، ۱۴۰۳، ص ۱۸؛ گروه تالیف باشگاه اندیشه، ص ۱۴۳) این ارتباط، با توجه به زمینه‌های انحراف در این فرد، هسته اولیه جریان شکل می‌دهد. به نظر می‌رسد چند عامل در این روند نقش کلیدی ایفا کرده‌اند:

الف. عامل نخست، خودنمایی میلانی و تظاهر به برتری علمی نسبت به سایر علماست. بر همین اساس وی تلاش می‌کند برای خود جایگاهی فراتر از علماء متقدم و متاخر ترسیم کند. او برای تثبیت این ادعا و اقناع مخاطبان، با بزرگ‌نمایی درباره تاثیرگذاری خود بر تغییر آرای فقهی آیت الله خوئی سخن گفته و اقدام به ارائه مدارک جعلی اجتهاد، جهت مشروعیت بخشی و اعتبار به ادعاهای خود می‌نماید و از این طریق مخاطب را تحت تاثیر القانات خود قرار می‌دهد (آرشیو گروه فرق مرکز تخصصی مهدویت، ۱۴۰۳، ص ۱۸).

ب. عامل دوم در این بررسی، وجود بستری از تمایلات انحرافی در میان حلقه اولیه پیروان است. به عنوان نمونه، شخصی با نام اختصاری (محمد ه)، که از نخستین افراد جذب شده به سوی میلانی محسوب می‌شود، مدعی دریافت دستور از امام زمان (عج) در عالم رؤیا مبنی بر معرفی خود به عنوان سید بوده است. این ادعا توسط میلانی مورد تأیید قرار گرفته و در پاسخ به سؤال در این زمینه چنین اظهار داشته است: «سوال کردم جواب آمد، او سید و مداح ما اهل البیت است» (آرشیو گروه فرق مرکز تخصصی مهدویت، ص ۶۷).

قابل توجه است که شخص نام برده (م ه) سابقه عضویت فعال در انجمن حجتیه از سال ۱۳۵۲ را دارا بوده است. با در نظر گرفتن آموزه‌های رایج در انجمن، که بر مفاهیمی نظیر جایگاه ویژه اعضا به عنوان سربازان خاص امام زمان و تمایز آن‌ها از سایر اقشار جامعه تأکید داشت، (ذاکر زاده تولایی، بیتا، (حلبی ب)، ص ۱) این احتمال مطرح می‌شود که چنین نگرش‌هایی در شکل‌گیری توهّمات مشابه در فردی نظیر او نقش

داشته باشد و موجب شده تا وی در دام این مدعی بیافتد.

ج. عامل سوم، پذیرش سهل‌انگارانه و غیرنقدانه این ادعاها از جانب مسئولین هیئت تهرانی است که بدون ارزیابی دقیق، ادعاهای میلانی و زیر دستان نزدیک به وی را می‌پذیرند. (گروه تالیف باشگاه اندیشه، ص ۱۴۳) به احتمال این نوع پذیرش متاثر از جاذبه شخصی وی و یا تمایل به یافتن رهبری مقتدر در حمایت از هیئت بوده است که زمینه را برای تسری و تعمیم نفوذ میلانی به بدنه اصلی هیئت فراهم می‌کند و در نتیجه، با تبلیغ مسئولان هیئت، نهایتاً اکثریت اعضا به پیروی از میلانی گرایش یافته و به تبیث جایگاه او عنوان مرجع تقلید فراهم می‌شود. (ن.ک: آرشیو گروه فرق مرکز تخصصی مهدویت، ص ۱۸ و ۴۱؛ گروه تالیف باشگاه اندیشه، ص ۱۴۳ همان) روندی که حاصل تعامل پیچیده میان زمینه‌های روانی، اجتماعی و ساختارهای موجود در بدنه جامعه دینی بوده که اعضا را مستعد پذیرش ادعاهای میلانی کرده است.

از این رو، با پذیرفته شدن محمد حسینی میلانی به عنوان مرجع تقلید از سوی اعضای هیئت تهرانی، روند تکاملی در ادعاهای وی آغاز شده، نهایتاً به انحرافات اعتقادی در شخص میلانی و اعضای هیئت مذکور منتهی می‌گردد. البته، هجرت میلانی به شهر مشهد نیز می‌تواند به عنوان قرینه‌ای احتمالی بر وجود افکار انحرافی در وی تلقی گردد، فرضیه‌ای که بر تلاش وی برای شبیه‌سازی و تطبیق نشانه ظهور (خراسانی) بر خود مبتنی است (ن.ک: آرشیو گروه فرق مرکز تخصصی مهدویت همان، ص ۲۴).

ب) ادعاهای میلانی رهبر گروه مهدویت

مطالعه پیرامون ادعاهای میلانی، الگوی قابل تعمیمی از سوی ادعاهای مدعیان مهدویت را نشان می‌دهد. این الگو مبتنی بر بهره‌برداری از بسترهای مذهبی و نفوذ روшمنند در میان گروه‌های هدف است، به گونه‌ای که ادعاها به صورت تدریجی و در یک سیر صعودی و تکاملی مطرح می‌شوند. بر این اساس، پذیرش هر ادعای اولیه توسط پیروان، نقش پیش‌زمینه برای طرح ادعاهای بعدی را ایفا می‌کند و موجبات

انحرافات فکری و عملی فزاینده را فراهم می‌سازد.^۱ در این راستا، سلسله ادعاهای میلانی عبارت‌اند از:

(۱) ادعای ارتباط و نیابت از امام زمان

رهبر گروه مهدویت (میلانی) پس از ادعای اجتهاد و تثبیت جایگاه خود، مدعی نیابت از امام زمان عجل الله تعالی فرجه می‌شود؛ ادعایی که محور تفکر انحرافی او را تشکیل می‌دهد و بر ارتباط مستقیم و مستمر با امام از کودکی استوار است. ادعایی که سبب شد تا پیروان وی، او را «باب المهدی» بدانند (آرشیو گروه فرق مرکز تخصصی مهدویت، ص ۲۰ و ۲۳؛ گروه تالیف باشگاه اندیشه، همان، ص ۱۴۴).

با وجود توقیع صریح امام زمان مبنی بر نفی نیابت خاصه و مشاهده،^۲ هنوز به دلیل ساده‌انگاری برخی افراد و اطلاعات اندک در زمینه مهدویت، این گونه ادعاها برای مدعیان دارای جذابیت است و چنین ادعایی در میان مدعیان دروغین مهدویت سابقه‌ای به درازای غیبت کبرا دارد و تاریخ شاهد نمونه‌های متعدد این گونه ادعاهاست. مانند محمد بن نصیر نمیری در دروان محمد بن عثمان نایب دوم و محمد بن علی شلمغانی در زمان نایب سوم (طوسی، ۱۴۱۱ق، ص ۳۹۸ و صص ۴۰۵-۴۰۲). در ادوار بعدی افرادی مانند: محمد بن فلاح معروف به مشعشع (۸۸۶ق)؛ علی محمد باب نیز چنین ادعایی اشراق داشتند (خاوری، ۱۳۴ بدیع، ص ۱۲۲؛ رنجبر، ۱۳۸۲، ص ۲۲۵) همچنانکه در میان جریان‌های معاصر گروه‌هایی هستند که مدعی ارتباط ویژه با امام عصر عجل الله تعالی فرجه و دریافت علوم الهامات ویژه‌اند. در این میان می‌توان به سران شیخیه و برخی از

۱. بارکر، در کتاب «ساختن یک مونی: انتخاب یا شست و شوی مغزی؟» چرایی پیوند به فرقه‌های مونی را تبیین نموده و

نشان می‌دهد که این فرایند در یک فرایند از تعهد تدریجی ایجاد می‌شود. (Barker, 1984, pp. 97-115)

۲. حَدَّثَنَا أَبُو مُحَمَّدٍ الْحَسَنُ بْنُ أَحْمَدَ الْمُكْتَبُ قَالَ: ... فَأَخْرَجَ إِلَى النَّاسِ تَوْفِيعًا تُسَخِّتُهُ... يَا عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ السَّمَرِيُّ أَعْظَمَ اللَّهُ أَجْرَ إِخْوَانِكَ فِيكَ فَإِنَّكَ مَيِّتٌ مَا بَيْنَكَ وَ بَيْنَ سَيِّئَةِ أَيَّامٍ فَاجْمَعْ أَمْرَكَ وَلَا تُوصِ إِلَى أَحَدٍ يَقُومُ مَقَامَكَ بَعْدَ وَفَاتِكَ فَقَدْ وَقَعَتِ الْعَيْبَةُ الثَّانِيَةُ... سَيِّئَاتِي شِعْبَتِي مَنْ يَدْعِي الْمَشَاهِدَةَ أَلَّا قَمَنِي الدَّعَى الْمَشَاهِدَةَ قَبْلَ خُرُوجِ السُّفْيَانِيِّ وَ الصَّبِيحَةِ فَهُوَ كَاذِبٌ مُفْتَرٌ... (صدوق، ۱۳۹۵، ج ۲، ص ۵۱۶).

اعضای انجمن حجتیه و همفکران آن اشاره کرد که معتقدند رهبران علوم الهی را از طریق امامان به صورت ویژه دریافت کرده‌اند (ن.ک: رشتی، ۱۴۳۲، ج ۷، ص ۲۳۸-۲۳۹؛ زاکر زاده تولایی، بی‌تألیف (ب)، جزوه توحید، درس ۲، ص ۲؛ زاکر زاده تولایی، بی‌تألیف (الف)، ص ۷-۸؛ جمعی از شاگردان، بی‌تا، ص ۲۹).

۲) ادعای تطبیق نشانه خراسانی بر خود

یکی دیگر از ادعاهای میلانی، تطبیق نشانه خراسانی بر شخص خود است؛ ادعایی که پیروانش با ساده‌انگاری و بدون تحلیل پذیرفته‌اند. این امر بیانگر ضعف تفکر انتقادی و آگاهی پایین آنان از معارف مهدوی است. پذیرش سهل انگارانه‌ای که به راحتی تأویل میلانی از «حسنی بودن خراسانی» به «حسن الوجه» را در رابطه با این سوال که: «خراسانی نسب حسینی دارد و تو حسنی هستی»، توسط اعضا مورد قبول واقع می‌شود (آرشیو گروه فرق مرکز تخصصی مهدویت، ص ۲۴).

در ادامه، میلانی برای تقویت جایگاه خود، خروج یمانی را نیز با ادعای هماهنگی با او به عنوان خراسانی موعود مطرح می‌کند. به نظر می‌رسد این ادعا برای پاسخ به شبهات مربوط به هم‌زمانی خروج این دو شخصیت در روایات^۱ و نیز تحریک عواطف پیروان و القای حس کم‌کاری شیعیان در برابر اهل سنت طرح شده است. او خطاب به پیروانش می‌گوید:

یکی از نشانه‌های ظهور، سید یمانی است که اکنون در عربستان و میان اهل سنت ۲۰۰ هزار نیرو آماده کرده و فهرست خود را به حضرت داده است، اما من در میان شیعه هنوز نتوانسته‌ام ۳۰۰ هزار نیرو آماده کنم. (همان، ص ۲۵).

باید توجه نمود که این ادعا با توجه به اینکه نشانه خراسانی در روایات همراه با

۱. اَبی عَبدِ اللَّهِ ﷺ قَالَ: خُروجُ الثَّلَاثَةِ الشُّفَّيَانِيَّ وَ الْخُرَّاسَانِيَّ وَ الْيَمَانِيَّ فِي سَنَةٍ وَاحِدَةٍ فِي شَهْرٍ وَاحِدٍ فِي يَوْمٍ وَاحِدٍ ... (خروج سه نفر - سفیانی، خراسانی و یمانی - در یک سال، در یک ماه و در یک روز خواهد بود). (مفید، ۱۴۱۳، ج ۲، ص ۳۷۵؛ طبرسی، ۱۴۱۷، ج ۱، ص ۲۸۴؛ اربلی، ۱۳۸۱، ج ۲، ص ۴۶۰)

خروج و جنگ همراه است از لحاظ آثار روانی، بعد فکری و ابعاد اجتماعی، از مهم ترین ابزارهای میلانی محسوب می شود که با آن توانست، رفتارهای پیروان را به اقدامات افراطی و خشونت آمیز سوق دهد و با توجیهاتی چون «زمینه سازی برای ظهور» این اقدامات را عادی جلوه دهد. (همان، ص ۲۷) از جمله اقدامات، ترور شهید حجت الاسلام و المسلمین علی رازینی، رئیس پیشین دادگستری تهران، بود که منجر به جراحت وی و کشته شدن یک شهروند شد. همچنانکه ده تن از ائمه جمعه اهل سنت هدف ترور این گروه قرار داشتند (همان).

در نگاه کلی، تطبیق نشانه خراسانی، همواره ظرفیت خطرناکی برای تبدیل شدن به حرکت ضد امنیتی داشته است. در تاریخ، نمونه هایی چون حرکت عباسیان، حارث بن سریج، مدعیانی مانند منصور هاشمی خراسانی و خود این گروه مورد مطالعه، موید این واقعیت اند^۱. زیرا در این چارچوب، گروه احساس می کند که در آستانه قریب الوقوع ظهور قرار گرفته و هرگونه تأخیر و کوتاهی در اجرای دستورات رهبر، به منزله تأخیر در ظهور و نوعی خیانت به امام است. لذا این احساس فوریت در کنار تصویرسازی از موانع ظهور که عمدتاً حکومت مستقر در جامعه تعریف می شود، بستر لازم برای اقدامات خشونت آمیز که از قبل جنبه قدسی به آن بخشیده شده را فراهم می کند (Wissinger, 2000, pp. 37-42).

۳) مصداق سازی خارجی برای امام زمان

مصداق سازی برای حضرت مهدی علیه السلام در مطالعات فرقه شناسی به معنای نسبت دادن

۱. همانند جریان منصور هاشمی خراسانی که با ادعای خراسانی بودن و تطبیق روایات وارد شده در این زمینه بر خود، اقدام به تهییج و تحریک پیروان خود بر علیه نظام جمهوری اسلامی ایران نموده و با القای این تصور که اینگونه حرکت ها در واقع، تلاش برای زمینه سازی ظهور حضرت مهدی علیه السلام می اشد و به نوعی رفع موانع ظهور است، هرگونه کشتار و قتل را توجیه می کند و همزمان با اغشاشات سال ۱۴۰۱ در پاسخ به سوالی وب سایت رسمی این جریان قتل نیروهای انتظامی و مردمی که پشتیبان نظام هستند را جایز می شمارد. (منتظر المهدی، ۱۴۰۱).

مقام آن حضرت به فردی خاص و ادعای تطابق او با موعود آخرالزمان است. این شیوه که در میان برخی گروه‌های منحرف پیشینه دارد، برای جذب پیروان و تثبیت جریان‌های فرقه‌ای به کار گرفته می‌شود. میلانی نیز در این زمینه دو روش را دنبال کرده است:

یک. مصداق‌سازی با معرفی فردی به عنوان مهدی

یکی از روش‌های مصداق‌سازی، معرفی شخصی خاص به عنوان مهدی موعود است که نمونه‌های متعددی در تاریخ اسلام دارد. این کار به سه شیوه انجام می‌شود؛ یا شخص مدعی خود را به عنوان مهدی معرفی می‌کند مانند آنچه در بابیت توسط باب و در قادیانیه توسط غلام احمد اتفاق افتاد (آشنایی با دیانت بهایی، ۱۳۰ بدیع، ص ۱۰؛ محمود احمد، ۲۰۱۵، ص ۸)، یا اینکه شخصی که در راس هرم قدرت فرقه قرار دارد، فرد دیگری را به عنوان مهدی معرفی می‌کنند همانند جهیمان عتیبی که در سال ۱۴۰۰ قمری فردی به نام محمد بن عبدالله قحطانی را به عنوان مهدی معرفی نمود (جعفریان، ۱۳۹، ص ۱۳۴) یا اینکه افرادی پندار مهدی بودن نسبت به شخصی دیگر که در این زمینه ادعایی نکرده است، پیدا می‌کنند همانند فرقه کیسانیه یا اسماعیلیه که ادعای مهدویت محمد حنفیه و اسماعیل بن جعفر الصادق (ع) را مطرح کردند (ناشی اکبر، ۱۳۸۶، ص ۱۸۷؛ اشعری قمی، ۱۳۶۰، ص ۲۷؛ نوبختی، ۱۴۰۴، ص ۶۷).

در این راستا، میلانی با گزینش راه دوم، فردی به نام «رضا ش» کارگر بازنشسته شهرداری را ابتداء به عنوان راننده امام زمان و سپس به عنوان خود امام زمان معرفی می‌کند. وی از این طریق تلاش می‌کند تا با تصویرسازی ملموس از امام غایب و اینکه وی در ارتباط مستمر با امام استجایگاه خود را مستحکم تر نموده و از طرفی به دستورات و اقدامات خود مشروعیت ببخشد. از این روی، برخی اعضای این گروه در اظهارات خود تأکید کرده‌اند که: نقش رضا ش در پذیرش دستورات میلانی بسیار پررنگ بوده و موجب شده تا این افراد در دستورات میلانی تردید نکنند (آرشیو گروه فرق مرکز تخصصی مهدویت ص ۲۶؛ و نیز ن. ک: ص ۷۵).

دو. ادعای حلول امام زمان در کالبد میلانی

روش دوم که میلانی در کنار روش اول از آن بهره برد، ادعای حلول امام در کالبد میلانی است. (همان، ص ۲۰) این ادعا با توجه به ادعای اول مبنی بر معرفی «رضا ش» به عنوان امام زمان؛ نوعی تناقض نما است الا اینکه میلانی این تناقض را با بهره گیری از تعالیم برخی فرقه‌ها مانند شیخیه توجیه نموده باشد.

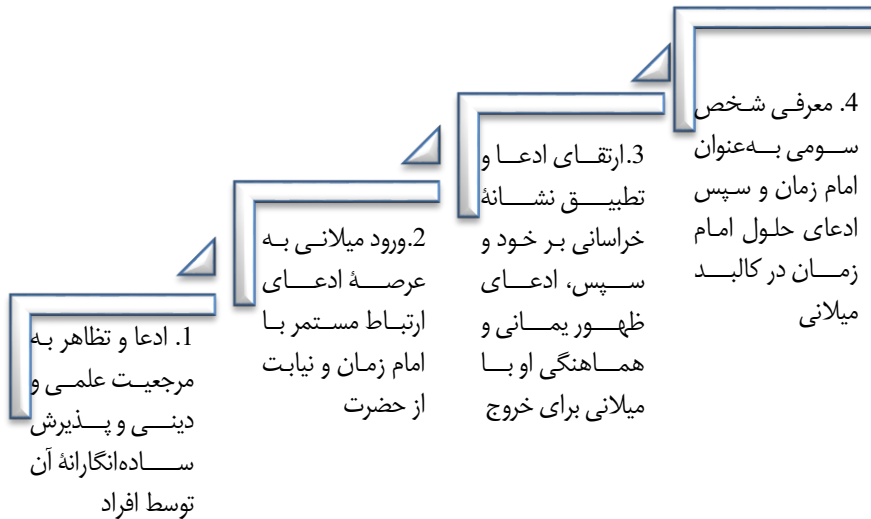
همچنانکه شیخ احمد احسائی در رساله رشتیه می‌نویسد:

«امام حجت علیه السلام در دوران غیبت خویش در «هورقلیا» و در جهانی دیگر... و برای ساکنان آن سرزمین آشکار است... اما هنگامی که بخواهد به این اقلیم‌های هفت گانه وارد شود، صورتی از اهل این اقلیم‌ها بر خود می‌پوشد، به گونه‌ای که هیچ کس او را نمی‌شناسد و هیچ چشمی نمی‌تواند او را با شناخت حقیقی ببیند تا زمانی که هر چشمی او را ببیند (احسائی، ۱۴۳۰، ج ۸، ص ۴۲۱-۴۲۳).

این دیدگاه با مبانی امامیه درباره غیبت و ظهور تفاوت اساسی دارد، اما با وجود این میلانی ادعایی مشابه ادعای احسائی را مطرح می‌کند و به نوعی حلول گرایی و تفکر غالبانه که در فرقه‌های پیشین مانند کیسانیه و ... نیز نمود داشته نزدیک می‌شود و با توجه به روند تصاعدی ادعاها، به نظر می‌رسد میلانی در مسیر تثبیت ادعای حلول امام زمان در کالبد خویش حرکت می‌کرده است. روندی که نشان‌دهنده یک راهبرد هدفمند و تدریجی است که از ادعاهای ساده آغاز شده و با طرح مدعیات پیچیده‌تر و جذاب‌تر وابستگی روانی به میلانی را افزایش می‌داد و اقتدار وی را به عنوان رهبر بلامنازع و امام موعود تثبیت می‌کرد.^۱ بدین ترتیب،

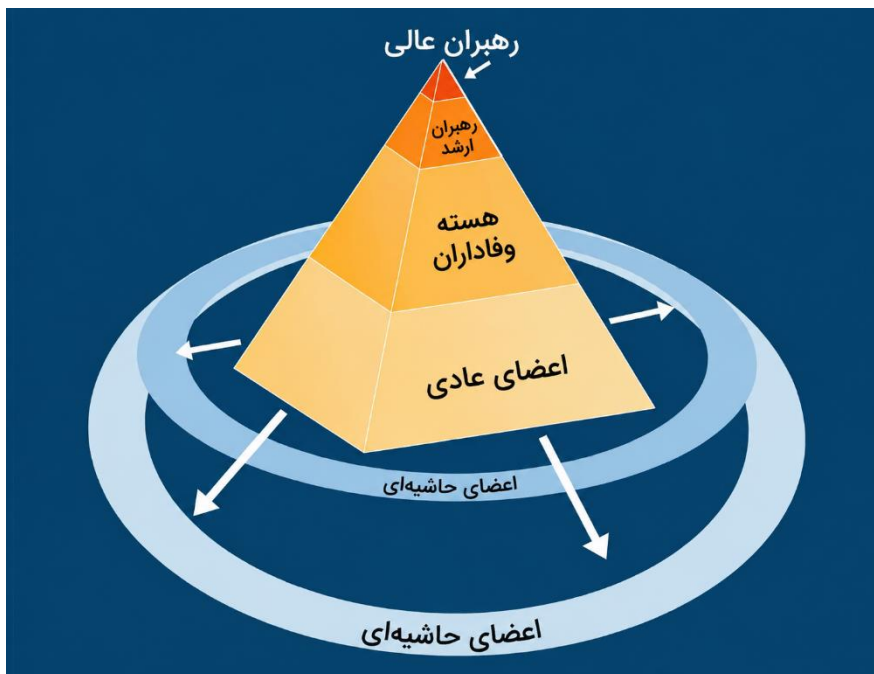
۱. ماکس وبر در کتاب «اقتصاد و جامعه: طرحی از جامعه‌شناسی تفسیری» چگونگی مشروعیت‌گیری به وسیله ادعاهای فراطبیعی و استثنایی را مطرح می‌کند و نشان می‌دهد که چگونه این روند به اقتدار فرهمند منتهی می‌شود. (Wfeber, 1978, Vol. 1, pp. 241-254)

سیر ادعاهای میلانی را می‌توان در این نمودار تعریف کرد:



۲. سازمان و تشکیلات گروه مهدویت

اغلب با بررسی ساختار یک گروه، جریان یا فرقه انحرافی می‌توان الگوی قدرت در آن را شناسایی کرد. به‌طور کلی، این جریان‌ها دارای ساختار هرمی هستند که در رأس آن یک رهبر کارزماتیک قرار دارد و اعضا به صورت سلسله‌مراتبی زیر او جای می‌گیرند. بلافاصله پس از رهبر، لایه‌ای کوچک از مشاوران قرار دارد که مدیریت امور فرقه را برعهده دارند. پس از این حلقه، لایه‌های گسترده‌تر اعضا در سطوح پایین‌تر قرار گرفته و این ساختار به صورت عمودی تا اعضای عادی که بیشترین جمعیت را تشکیل می‌دهند، ادامه می‌یابد (حسن، ۱۳۹۲، ص ۱۷۳). ستیون حسن، ساختار فرقه‌ها را در نموداری به تصویر کشیده است که در گروه مهدویت نیز صادق دانست.



در راس تشکیلات، محمد حسینی میلانی، به عنوان رهبر بلامنازع قرار گرفته و مسئولیت اصلی در اتخاذ تصمیمات و راهبری اقدامات گروه را بر عهده دارد. در این جایگاه، میلانی رفتاری اقتدارگرایانه و خودکامه که از شاخصه‌های رهبران فرقه‌هاست از خود نشان می‌دهد؛ در نتیجه هرگونه پرسش یا تردید نسبت به تعالیم وی با واکنش شدید مواجه می‌شود. نمونه‌ای از این رفتار در تجربه یکی از پیروان بازتاب یافته است:

وقتی که میلانی برای مداوا به بیمارستان رفته بود رضا ش[فردی که میلانی او را امام زمان معرفی کرده بود] را دیدم و گفتم، آقا، نائب تو مریض است و در بیمارستان بستری است دعا کن بهبود پیدا کند. وی اظهار داشت: در کدام بیمارستان؟ من تعجب کردم چه امام زمانی است که نمی‌داند نائب خود و سید خراسانی کجاست؟ وقتی نزد میلانی رفتم قضیه را تعریف کردم، آقای میلانی با تندی گفت: به حضرت شک کردی؟ باید کفاره بدهی، و مبلغ یکصد هزار ریال دریافت کرد. و بار دیگر در مورد مشابه مبلغ دویست هزار ریال دریافت

کرد که نداشتم و به استقراض پرداخت کردم (آرشیو گروه فرق مرکز تخصصی

مهدویت، ص ۲۱ و ۵۸).

نمونه‌ای که نشان‌دهنده نحوه مواجهه حسینی میلانی به عنوان راس گروه با افراد مراتب پایین تر است که با سرکوب تفکر انتقادی پرسشگر، و تقبیح هر نوع تریدی ایمانی به همراه جرمیه در قالب کفاره، با نوعی خشونت نمادین اقدام به شرطی‌سازی منفی فرد مردد می‌کند و آنها را به اطاعت محض فرا می‌خواند.

در این هرم، پس از میلانی، لایه‌ای از افراد نزدیک و زیر دست قرار داشتند که بر اساس توانایی‌ها و ویژگی‌های فردی از سوی میلانی مسئولیت‌های مشخصی را عهده‌دار می‌شوند. در این فرایند، میلانی با اعطای القاب ویژه نظیر «ابدال» و «اوتاد»، در عین حال که سلطه خود را بر این حلقه تحکیم می‌کند، جایگاه این افراد را نیز در نگاه مراتب زیرین تثبیت می‌کند. (همان، ص ۶۶) برای مثال، او "محمد ه" اعضای حلقه اول را به عنوان «نماینده تام الاختیار» خود در امور شرعی و عرفی با وجود عدم تخصص معرفی می‌کند (همان، ص ۶۶-۶۷).^۱

به موازات نزول در سطوح سازمانی، دایره پیروان به طور قابل توجهی گسترش می‌یابد و در نهایت به طیف وسیعی از اعضای پیرامونی می‌رسد. این افراد، که اغلب فاقد هرگونه آگاهی دقیق از اقدامات و ادعاهای اصلی سران هستند، عمدتاً از طریق پیوندهای مذهبی با این جریان در ارتباط قرار گرفته‌اند. در این وضعیت، تشکیلات فرقه‌ای از ناآگاهی این بخش از اعضا نسبت به اهداف واقعی خود، در راستای تحقق اغراض و منافع پنهان خود بهره‌برداری می‌کند و به نوعی با استفاده از این گروه تلاش می‌کند تا جایگاه اجتماعی خود را در میان توده‌ها تقویت کند. لذا میلانی در جلسه دادگاه وانمود می‌کند که این امور را بر اساس اختیارات حاصل از نیابت عامه انجام داده است و از همین مسیر اقدام به تحریک پیروان می‌کرد (همان، ص ۳۶-۳۷).

۱. بدین وسیله اعلام میدارم، حضرت سلاله اطیاب مداح اهل البیت علیهم السلام آقای "محمد ه" ... نماینده تام الاختیار اینجانب و مورد اعتماد و وثوق کامل ... اربابمان ... می‌باشد، ... مستدعی است در امور شرعی و عرفیه با معظم له مشورت نمایند.

۳. اقدامات و فعالیت‌ها

استفاده از الگوهای دینی در تشکیلات فرقه‌ای همواره برجسته است. در گروه مهدویت این رویکرد به‌ویژه از طریق ادعای ارتباط مستقیم رهبر با امام زمان علیه السلام و ارائه نمادهای مقدس (مانند خراسانی موعود) نمود یافت؛ امری که پیروان را در به‌عنوان زمینه‌سازان ظهور به تکلیف و اقدام وامی‌داشت و اعمال آنان را در چارچوب ملی و مذهبی توجیه‌پذیر می‌کرد (آرشیو گروه فرق مرکز تخصصی مهدویت، ص ۲۰-۲۵ و ۴۵ و ۳۱).

فهرست اقدامات گروه، گستره‌ای از فعالیت‌های غیرقانونی و خشونت‌آمیز را نشان می‌دهد؛ از برنامه‌ریزی برای تخریب اماکن مذهبی و ترور شخصیت‌ها تا سرقت مسلحانه، جعل مدارک و تهیه و استفاده از سلاح و مواد منفجره. این اقدامات نه تنها تهدیدی برای امنیت شهروندان و مراجع رسمی کشور به‌شمار می‌آیند، بلکه عمق تأثیر ایدئولوژی فرقه‌ای بر رفتار اعضا و آمادگی آنان برای خشونت را نیز عیان می‌سازند. چنین الگویی مشخصه گروه‌های افراطی است که با تفسیرهای خاص دینی و روش‌های کنترل، پیروان را به اقدام خشونت‌محور می‌کشاند. از جمله فعالیت‌های ثبت‌شده این گروه عبارت‌اند از:

- اعزام افرادی برای شناسایی قبر ابو حنیفه برای تخریب در ارومیه
- شناسایی و اقدام به ترور نافرجام رئیس پیشین دادگستری استان تهران علی رازینی ایراد صدمات بدنی به ایشان
- کشته شدن فردی به نام انصارع‌ق در روند ترور شهید حجت الاسلام و المسلمین علی رازینی
- شناسایی و ترسیم کروکی منزل و محل فعالیت ده تن از ائمه جمعه اهل سنت شهرهای شمال و غرب کشور
- شناسایی مسیر تردد رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام آیت الله هاشمی رفسنجانی برای طراحی ترور ایشان
- طرح تخلیه مهمات دو پادگان در اطراف پالایشگاه تهران و اراک
- طراحی سرقت از بانک‌ها

- جعل مدارک اجتهاد توسط میلانی
- تشکیل مراسم عید الزهرا و انجام اعمال لهو و لعب و خلاف شرع در این مراسم
- سرقت ۵۳ قبضه سلاح جنگی از چهار پایگاه بسیج پاه پاسداران و حدود دو هزار انواع فشنگ جنگی، یک قبضه خمپاره و تعدادی نارنجک، و برخی دیگر از تجهیزات و واسائل جنگی
- تسلیح اعضا و ساخت بمب و به کاربردن آن در محل‌های عمومی (همان، ص ۹-۱۲).

این رفتارها نشان می‌دهد تطبیق‌گرایی نشانه‌های ظهور می‌تواند فراتر از حوزه اعتقادات، به رفتار اجتماعی و اقدامات مسلحانه منتهی شود و بدین ترتیب تهدیدی جدی برای امنیت و ثبات اجتماعی به وجود آورد. بر این اساس، برخی از مهم‌ترین تأثیرات گروه مهدویت در حوزه‌های فکری و اجتماعی عبارت‌اند از:

الف) توسعه ایدئولوژی و گفتمان تکفیر

یکی از مهم‌ترین پیامدهای رویکرد تطبیق‌گرایانه در تفسیر نشانه‌های ظهور - که در گروه مهدویت نیز مشهود است - گسترش ایدئولوژی تکفیری است. مدعیان مهدویت با معرفی خود به عنوان بازیگران اصلی ظهور، دیگر مسلمانان را به دلیل اختلاف در باورها یا عدم همسویی فکری، تکفیر کرده و آنان را مانع تحقق ظهور می‌دانند.

در نمونه‌ای عینی، عملکرد میلانی در تطبیق نشانه خراسانی بر خود، به‌خوبی نشان می‌دهد چگونه این رویکرد به بسط گفتمان تکفیری می‌انجامد. او با تکیه بر این تفسیرها و طرح اتهاماتی گوناگون علیه اهل سنت، اعضا را به ترور ائمه جمعه آنان ترغیب کرد تا خشونت را مشروع جلوه دهد (آرشیو گروه فرق مرکز تخصصی مهدویت، صص ۴۵). این خشونت ناشی از اختلال فردی نبود، بلکه برخاسته از احساس وظیفه دینی و تحریف مفاهیم کلیدی مانند انتظار و زمینه‌سازی بود.

در این چارچوب، گفتمان تکفیر با مرزبندی میان "ما" و "آنها"، ضمن ایجاد احساس هدف مشترک، به انسجام گروهی انجامیده و از نفوذ تفکرات بیرونی جلوگیری می‌کند. سران جریان‌ها با قطع ارتباط اعضا با جامعه، خود را منجی حقیقی معرفی کرده و سلطه خویش را تثبیت می‌نمایند. این شیوه با تعیین مرزهای هویتی و افزایش وفاداری درونی، نهایتاً به تثبیت گفتمان جریان و بروز آن در رفتار پیروان می‌انجامد (ر.ک: احمدی و شاه حسینی، ۱۳۹۶، ص ۲۰۲).

ب) تخریب جایگاه فقهاء در افکار متدینین

تخریب جایگاه فقها پیامد خطرناک دیگر جریان‌های انحرافی مهدوی مبتنی بر رویکرد تطبیق‌گرایانه است. این گروه‌ها با تطبیق نشانه‌ها بر رهبران خود، آنان را دارای ارتباط مستقیم با امام زمان علیه السلام و «نمایندگان خاص» ایشان معرفی می‌کنند تا از این طریق، باور عمومی به جایگاه فقها به عنوان نایبان عام را تضعیف نمایند.

برای نمونه، علیرضا بابایی آریا (منصور هاشمی خراسانی)، سرکرده گروه‌ک «بازگشت به اسلام» که مدعی تطبیق نشانه خراسانی بر خویش است، بارها نظام فقاقت را «بدعت آمیز و جعلی» خوانده است (خلیلی، ۱۳۹۷، ص ۱). او در کتاب بازگشت به اسلام با انتقاد از غلو درباره عالمان، می‌نویسد: «تقلید از عالمان، به هیچ روی مجزی نیست و اجتهاد بر عموم مسلمان واجب است.» (هاشمی خراسانی، ۱۴۰۰، ص ۵۳).

با این حال، درباره پیروی از شخص وی، اطاعت واجب و مخالفت معصیت شمرده می‌شود؛ زیرا خود را دارای «وصایت و نیابت خاصه از امام زمان علیه السلام»، «خراسانی موعود» و «اولین مهدی از مهدیان دوازده گانه» می‌داند (هاشمی خراسانی، ۱۳۹۸، ص ۵۶؛ یعقوب ۱۳۹۴)؛ جایگاهی که هیچ فقیهی مدعی و برخوردار آن نیست.

رویکردی مشابه در گروه مهدویت میلانی نیز مشهود است. او با نگارش کتاب هفوات العظماء (اشتباه بزرگان) و نقد علمای پیشین، کوشید برتری علمی خود را القا کرده و مرجعیت فکری‌اش را بی‌رقیب جلوه دهد. همچنین در ابتدای خلاصه الفقه، برخلاف روش معمول فقهی، راه «تشریف به محضر امام زمان علیه السلام و اخذ تکلیف» را

برای مکلفان مطرح کرد (میلانی، ۱۳۶۱، ص ۱۳ و نیز ن.ک: آرشو گروه فرق مرکز تخصصی مهدویت، ص ۲۰)؛ امری که نشان‌دهنده ادعای نیابت خاص و ارتباط مستقیم او با امام عصر علیه السلام بوده و در این راستا قابل تحلیل است.

در نتیجه، فتاوی میلانی نزد پیروانش نه بر پایه اجتهاد و اصول فقه، بلکه به مثابه سخنان معصوم تلقی می‌شد (آرشو گروه فرق مرکز تخصصی مهدویت، ص ۲۰). این امر نشان می‌دهد چگونه سران جریان‌های انحرافی با تضعیف مرجعیت دینی و جعل مشروعیت شخصی، زمینه گسترش اقتدار فرقه‌ای خود را فراهم می‌سازند.

ج) ایجاد احساس قداست کاذب و رواج خرافات

پیامد منفی دیگر تطبیق‌گرایی نادرست نشانه‌های ظهور، ایجاد قداست کاذب برای مدعیان است. این افراد با برداشت‌های شخصی و غیرمستند، جایگاهی فراتر از حدود دینی برای خود قائل شده و پیروانشان را به اطاعت کورکورانه و تقدیس بی‌چون و چرا سوق می‌دهند.

در این شرایط، ادعاهای بی‌اساس جایگزین معیارهای معتبر دینی شده و مدعیان، موجوداتی مقدس پنداشته می‌شوند. این امر در گروه مهدویت به روشنی مشهود است؛ چنان‌که یکی از پیروان میلانی (حمید م)، دمپایی پاره او را برای تبرک از مشهد به تهران آورد و هر روز بر چشمانش می‌نهاد (آرشو گروه فرق مرکز تخصصی مهدویت، ص ۲۲). همچنین، مریدان از ته‌مانده غذای او تبرک و شفا می‌جستند (همان). این رفتارها نشانگر تلاش آشکار میلانی برای انحراف از آموزه‌های اصیل دینی و تنزل مفاهیم مهدوی به سطح مرید و مرادبازی است.

افزون بر این، رواج تطبیق‌گرایی نادرست، بستر گسترش خرافات را در میان توده‌ها فراهم می‌کند. با تطبیق شتاب‌زده و غیرعالمانه وقایع یا افراد با نشانه‌های ظهور، افراد فاقد توانایی بررسی دقیق، آن‌ها را حقیقتی دینی پنداشته و به تدریج جذب مدعیان سودجو می‌شوند. بدین ترتیب، مرید و مرادبازی و تولید خرافات نوظهور که نتیجه انحراف از عقلانیت دینی است، رواج می‌یابد. در نهایت، این روند با معرفی خرافات

به‌عنوان بخشی از دین، اعتماد عمومی به نهادهای و مرجعیت علمی دین را تضعیف کرده و درک منطقی از مفاهیم مهدویت را مختل می‌سازد.

د) کاهش اعتماد عمومی نسبت به پیش‌بینی‌های دینی و روایات مذهبی

پیش‌بینی‌ها و تفاسیر دینی همواره نقش مهمی در هدایت جوامع داشته‌اند؛ اما تطبیق‌گرایی نادرست و شتاب‌زده نشانه‌ها بر وقایع و اشخاص معاصر، اعتماد عمومی را کاهش می‌دهد. وقتی افراد یا گروه‌ها بدون پشتوانه علمی و اجتهادی، روایات را به‌طور قطعی بر رخدادها تطبیق می‌دهند، عدم تحقق آن‌ها جامعه را دچار تردید می‌کند. این امر نه تنها اعتبار آموزه‌های دینی را می‌کاهد، بلکه زمینه‌ساز رویگردانی مردم از منابع اصیل و گرایش به مکاتب جایگزین می‌شود.

تکرار این پیش‌بینی‌های نادرست، به‌ویژه در بحران‌ها، بدبینی به روایات مذهبی را افزایش داده و بستر رشد جریان‌های سکولار و نسبی‌گرا را فراهم می‌کند که نقش دین را کمرنگ می‌دانند. همچنین، از آنجا که جامعه از مراجع دینی انتظار دقت و مسئولیت‌پذیری دارد، این مسئله مشروعیت نهادهای و عالمان دینی را نیز تضعیف می‌کند. در نتیجه، رواج تطبیق‌گرایی نادرست و تحمیل هزینه‌های ناشی از جریان‌های انحرافی بر جامعه، سبب سردرگمی عموم در آموزه‌های اصیل شده است؛ تا جایی که برخی روشنفکران با بهانه قرار دادن همین موارد، اساس مهدویت را زیر سؤال برده‌اند (ر.ک: محمد حسن، ۱۹۵۳؛ امین، ۲۰۱۲؛ الحمش، ۲۰۰۱).

ه) شکل‌گیری خشونت فرقه‌ای در جامعه

خطر گروه‌های تطبیق‌گرا تنها ناشی از اختلافات اعتقادی نیست، بلکه ریشه در ادعای حقانیت انحصاری و تکفیر دیگران دارد. این خطر در جریان‌هایی که حول شخصیت‌های آخرالزمانی مانند «یمانی» یا «خراسانی» شکل می‌گیرند، مضاعف است؛ زیرا این شخصیت‌ها در متون دینی غالباً با توصیفات نزاع و درگیری همراه‌اند و بستر سوءاستفاده افراط‌گرایان را فراهم می‌کنند. سران این جریان‌ها با تطبیق این نشانه‌ها بر

خود و قدسی‌سازی شخصیتشان، از احساسات دینی پیروان بهره‌برداری کرده و به اقدامات ضدامنیتی خود مشروعیت می‌بخشند. در نتیجه، این گروه‌ها به مرور از حرکتی فکری به گروه‌های شبه‌نظامی تبدیل می‌شوند؛ چنان‌که سینگر معتقد است میان ساختار فرقه‌ای و تروریسم ارتباطی تنگاتنگ وجود دارد (سینگر، ۱۳۹۹، ص ۱۴۴).

گروه مهدویت به وضوح از این الگو تبعیت کرد که ترور شهید رازینی و طرح ترور آیت‌الله هاشمی رفسنجانی و ائمه جماعات اهل سنت از آن جمله‌اند (آرشیو گروه فرق مرکز تخصصی مهدویت، ص ۹). این پدیده نمونه‌های تاریخی متعددی نیز دارد؛ مانند ترور ملا محمدتقی برغانی به دستور قره‌العین (اعتضادالسلطنه، ۱۳۶۲)، اقدام نافرجام بابیان برای ترور ناصرالدین شاه (اعتضادالسلطنه، ص ۸۰؛ دوگوینو، بی‌تا، ص ۲۳۰-۲۳۸؛ نجفی، ۱۳۸۳، ص ۵۷۷)، درگیری‌های خونین بابیان در نیریز، مازندران و زنجان (نجفی، ۱۳۸۳، ص ۵۱۱-۵۶۶) و در دوران معاصر، ترغیب به ترور نیروهای امنیتی توسط جریان منصور هاشمی خراسانی (منتظر المهدی، ۱۴۰۱) که همگی نشانگر الگوی خشونت سازمان‌یافته در این فرقه‌هاست.

بنابراین، تطبیق‌گرایی افراطی نشانه‌های ظهور، وقتی با احساس فوریت همراه شود، این گروه‌ها را با توجیه تسریع ظهور و رفع موانع آن، به سمت آشوب و خشونت سوق می‌دهد. این رویکرد با تبیین اشتباه آموزه‌های مهدوی، آسیب‌های جدی به امنیت دینی از درون، و امنیت اجتماعی و سیاسی از بیرون وارد می‌سازد.

و) رشد رفتارهای مجرمانه

تطبیق‌گرایی افراطی در نشانه‌های ظهور، علاوه بر انحرافات فکری، زمینه‌ساز رشد رفتارهای مجرمانه است که از سه جهت هنجارهای اجتماعی را نقض می‌کند:

نخست؛ باور به پایان قریب‌الوقوع دنیا، قوانین موجود را بی‌اعتبار ساخته و افراد اعمال مجرمانه خود را بخشی از هرج و مرج پیش از ظهور یا وظیفه‌ای برای تسریع آن می‌پندارند.

دوم؛ فضای ناامیدی و بی‌ثباتی ناشی از این تفکر، انگیزه‌های ارتکاب جرم را افزایش می‌دهد. اشخاصی که آینده‌ای برای خود متصور نیستند، برای تأمین

نیازها یا اعتراض به وضع موجود، به بزهکاری روی می آورند. سوم؛ این رویکرد مشروعیت نهادهای قانونی و دینی را تضعیف می کند. مدعیان انحصاری شناخت آخرالزمان، نهادهای رسمی را «مانع ظهور» دانسته و با توجیه دینی، به نافرمانی مدنی و تقابل آشکار با نظام می پردازند؛ تفکری که دقیقاً در گروه مهدویت دنبال شد.

در همین راستا، محمد حسینی میلانی با تحریک احساسات دینی، القای فوریت ظهور و سرزنش پیروان به دلیل کوتاهی در زمینه سازی، آنان را به جرایمی نظیر خلع سلاح پایگاه های بسیج و طرح سرقت از بانک ها سوق داد. وی با یک تطبیق ساده و سوء استفاده از ساده لوحی مریدان، هنجارشکنی اجتماعی را به عنوان وظیفه ای الهی توجیه کرد. از این رو، تطبیق گرایی شتاب زده و ناصحیح نشانه های ظهور، چالشی اساسی در اندیشه مهدویت است که مقابله با آن برای حفظ سلامت جامعه، ضرورتی امنیتی، اجتماعی و دینی محسوب می شود. در همین راستا برخی راهکارها برای مقابله با این چالش ارائه می گردد:

۱) تقویت آموزش های مهدوی مبتنی بر اجتهاد و منابع معتبر دینی

تبیین متون و منابع مربوط به نشانه های ظهور با رویکرد علمی و دقیق و مبتنی بر اجتهاد که از سوی علما و مراکز معتبر دینی ارائه می شود باید محور اصلی در تفسیر نشانه های ظهور قرار گیرد تا مخاطبان به تفاسیر سطحی و غیر مستند گرایش پیدا نکنند.

۲) نقد علمی و مستدل ادعاهای تطبیق گرایانه در فضای عمومی

علمای دینی و پژوهشگران باید با استناد به منابع معتبر، تطبیق های غیرموجه را تحلیل و نقد کنند تا فضای روشنگری در برابر خرافات و تحریفات ایجاد شود. این نقدها باید قابل فهم، منصفانه و بدون تخریب شخصیت ها، ولی با روشنگری دقیق انجام شود. به ویژه حوزه های علمیه و مراکز مهدوی باید به طور منظم این جریان ها را شناسایی نموده و تطبیق های ناصحیح این گروه ها را نقد و افشا نمایند.

۳) کنترل و مدیریت محتوای فضای مجازی و رسانه‌ها

با نظارت بر شبکه‌های اجتماعی، کانال‌ها و صفحات تبلیغاتی که در آن‌ها تطبیق‌های بی‌پایه و محتوای خرافی ترویج می‌شود، می‌توان از گسترش شایعات و تحریک‌های هیجانی جلوگیری کرد. چرا که بسیاری از ادعاهای انحرافی مبتنی بر تطبیق‌گرایی بی‌پایه از طریق شبکه‌های اجتماعی منتشر می‌شود. بر همین اساس نهادهای فرهنگی و امنیتی باید محتوای این شبکه‌ها را رصد کرده و در صورت لزوم برخورد نمایند. در کنار آن، تولید محتوای سالم و جذاب درباره مهدویت نیز ضروری است.

۴) توانمندسازی اқشار آسیب‌پذیر در برابر جریان‌های افراطی

افرادی که در شرایط اقتصادی، اجتماعی یا روانی آسیب‌پذیر هستند، بیشتر در معرض جذب به گروه‌های مدعی قرار دارند. برنامه‌های حمایت روانی، فرهنگی و معیشتی می‌تواند از پیوستن آن‌ها به چنین گروه‌های جلوگیری کند. همچنانکه اغلب جذب شدگان به میلانی را افراد ساده لوح و کم سواد تشکیل می‌دهد است (آرشیو گروه فرق مرکز تخصصی مهدویت، ص ۱-۶).

نتیجه‌گیری

در جمع بندی این پژوهش می‌توان گفت تطبیق‌گرایی افراطی در نشانه‌های ظهور، فراتر از یک خطای تفسیری ساده بوده و به عنوان پدیده‌ای چندوجهی با آثار عمیق معرفتی، اجتماعی و امنیتی است. در این میان، گروه مهدویت به رهبری سید محمد حسینی میلانی نمونه‌ای گویا از چگونگی بهره‌برداری از رویکرد تطبیق‌گرایانه برای شکل‌دهی به یک گفتمان انحرافی است. میلانی با تفسیر نشانه‌های ظهور بر خویش، ادعای نیابت خاصه و ارتباط مستقیم با امام زمان (عج) را مطرح کرده و از این طریق، ساختاری فرقه‌ای با جاذبه معنوی و شخصی خود پدید آورد.

این جریان با ایجاد گفتمان وحدت ستیز، تخریب جایگاه فقها و ترویج باورهای غلط، بستر گسترش انحرافات عقیدتی و خرافی را در میان پیروان خود فراهم ساخت.

در نتیجه، باورهای اصیل مهدوی در ذهن مخاطبان جای خود را به برداشت‌های احساسی، غیرعلمی و ضدعقلانی داد. از منظر رفتار اجتماعی نیز، چنین برداشتهایی موجب فروپاشی اعتماد به نهادهای دینی در دیدگاه پیروان و افزایش شکاف‌ها اعضا گروه در جامعه شد. افزون بر این، پیوند میان تطبیق‌گرایی و خشونت فرقه‌ای در گروه مهدویت آشکار است؛ چراکه میلانی با توجیهاتی چون «زمینه‌سازی ظهور» و «رفع موانع ظهور»، پیروانش را به اقدامات مجرمانه، از جمله طرح ترور و شورش‌های مسلحانه سوق داد.

در مجموع، می‌توان نتیجه گرفت که تطبیق‌گرایی ناصحیح میلانی در نشانه‌های ظهور، با ترکیب عواملی چون سوءبرداشت دینی، رهبری اقتدارطلب و فقدان سواد اعتقادی پیروان، به تهدیدی برای امنیت فکری و اجتماعی جامعه بدل شد. رویکردی که به دلیل پیامدهای جدی آن بر فرهنگ دینی و ابعاد اجتماعی در جامعه مقابله با آن ضرورتی انکار ناپذیر دارد.

فهرست منابع

- آدریانی، علی‌رضا؛ آصف آگاه، سید محمد رضی. (۱۳۹۵). تطبیق‌گرایی روایات آخرالزمان در سریال غرابیب سود. عصر آدینه، ۹(۲۰)، صص ۸۱-۱۰۲.
- آشنایی با دیانت بهائی. (۱۳۵۲، ۱۳۰ بدیع). بی‌جا: انتشارات موسسه ملی مطبوعات امری.
- آیتی، نصرت‌الله. (۱۳۹۱). معیارهای تطبیق نشانه‌های ظهور. مشرق موعود، ۷(۲۳)، (صص ۵-۲۴).
- ابن بابویه، محمد بن علی (صدوق). (۱۳۹۵). کمال‌الدین و تمام‌النعمه (محقق: علی‌اکبر غفاری، ج ۲، چاپ دوم). تهران: نشر اسلامی.
- احسائی، شیخ احمد. (۱۴۳۰). جوامع الکلم. بصره: نشر مطبعه الغدیر.
- احمدی، احسان؛ شاه‌حسینی، سمیه. (۱۳۹۶). در قلمرو سایه‌ها جستارهایی در روان‌شناسی فرقه‌ها. تهران: نشر نارگل، نسخه الکترونیکی طاقچه.
- بی‌نام. (بی‌تا). اخبار الدوله العباسیه و فيه اخبار العباس وولده (محققان: عبدالعزیز الدوری، عبدالجبار المطلیبی). بیروت: نشر دار الطلیعه.
- اربلی، علی بن عیسی. (۱۳۸۱ق). کشف الغمه فی معرفه الائمه علیهم‌السلام (محقق: سید هاشم رسولی‌محلاتی، ج ۲، چاپ اول). تبریز: انتشارات بنی‌هاشم.
- آرشیو گروه فرق مرکز تخصصی مهدویت. (۱۴۰۳). ماره آرشیوش ۱.
- اشراق خاوری، عبدالحمید. (۱۳۵۶، ۱۳۴ بدیع). مطالع الانوار تلخیص تاریخ نبیل زرنندی. بی‌جا: نشر موسسه چاپ و انتشارات مرآت.
- اشعری قمی، سعد بن عبدالله. (۱۳۶۰). المقالات والفرق (مصحح: محمدجواد مشکور). تهران: شرکت انتشارات علمی فرهنگی.
- اعتضاد السلطنه. (۱۳۶۲). فتنه باب (توضیحات و مثالات به قلم عبدالحسن نوائی، چاپ سوم). تهران: انتشارات بابک.

- امین، احمد. (۲۰۱۲). المهدی و المهدویه. مصر: انشارات موسسه هنداوای للتعليم والثقافه.
- جعفریان، رسول. (۱۳۹۱). مهدیان دروغین به ضمیمه سه رساله: رساله در شرح حدیث دولتنا فی آخرالزمان، رساله مبشره شاهیه، رساله الهدی. تهران: نشر علم.
- جمعی از شاگردان. (بی تا). طلابیه داران آفتاب. بی جا: بی نا.
- حاجیان، ابراهیم. (۱۳۸۳). "بررسی جامعه‌شناختی فرقه‌گرایی مذهبی و تاثیر آن بر نظم و ثبات سیاسی". مطالعات راهبردی، ۷(۲۴)، صص ۲۳۳-۲۵۳.
- حسن، استون. (۱۳۹۲). گسستن بندها شیوه‌های مغزشویی و چگونگی رهایی از آن. (مترجم: ابراهیم خدابنده). تهران: انتشارات جام جم.
- حسینی، میلانی، محمد. (۱۳۶۱). خلاصه الفقه. مشهد: انتشارات دانشگاه مشهد.
- حسینی میلانی، محمد. (۱۴۱۷). المعجم الکلام تعریف للمصطلحات الکلامیه عند الامامیه. بی جا: نشر تابان.
- الحمش، عذاب محمود. (۲۰۰۱). المهدی المنتظر فی روایات اهل السنه والشیعه الامامیه دراسه حدیثه نقدیه. عمان: انتشارات دار الفتح.
- حیدری چراتی، حجت؛ ندرلو، مهرداد. (۱۴۰۰). تحلیل و بررسی منصورهاشمی خراسانی و نقش آن در ایجاد شکاف در همبستگی ملی و اتحاد اسلامی. پژوهشنامه موعود، ۳(۶)، صص ۷۰-۹۳.
- حیدری چراتی، حجت؛ ندرلو، مهرداد. (۱۴۰۲). بررسی و تحلیل تهدیدهای امنیتی و اجتماعی گرایش به جریان‌های انحرافی در جامعه ایران. انتظار موعود، ۲۳(۸۳)، صص ۹۵-۱۲۰.
- خلیلی، محمد امیر. (۱۳۹۷). پرچم‌های هدایت؛ پاسخ به شبهاتی پیرامون نهضت مقدّس بازگشت به اسلام (۱۰). [مقاله وب]بازيایی شده در تاريخ ۱۰ اردیبهشت ۱۴۰۴ از: <https://B2n.ir/qw8254>
- دو گوینو، کنت. (بی تا). مذاهب و فلسفه در آسیای وسطی (مترجم: م. ف). بی جا: بی نا.

ذاکر زاده تولایی، شیخ محمود حلبی. (بی تا «ب») جزوه معارف اهل بیت (علیهم‌السلام) دروس توحید، آرشیو مرکز تخصصی مهدویت. (۱۴۰۳). ش ۲.

ذاکر زاده تولایی، شیخ. (بی تا). «امحموحلبی الف»، جزوه تذکر درباه وجود مقدس امام زمان (علیه‌السلام) از زبان خادم الحجه، آیه الله حاج شیخ محمود تولایی خراسانی، بی‌جا: بی‌نا.

رشتی، سید کاظم. (۱۴۳۲ق). جواهر الحکم. عراق: نشر شرکه الغدو للطباعه و النشر المحدوده.

رضوی، طاها. (۱۳۹۷). بررسی علل خودداری از همراهی با نهضت «بازگشت به اسلام» پس از علم به حقایق آن (۱) [مقاله وب]. بازیابی شده در ۱۵ خرداد ۱۴۰۴ از:

<https://B2n.ir/sh9759>

رنجبر، محمدعلی. (۱۳۸۲). مشعشعیان ماهیت فکری-اجتماعی و فرآیند تحولات تاریخی. تهران: انتشارات آگاه.

سینگر، مارگارت تالر. (۱۳۹۹). فرقه‌ها در میان ما (مترجم: ابراهیم خدابنده، چاپ ششم) تهران: نشر ماهریس.

طبرسی، فضل بن حسن. (۱۴۱۷). اعلام الوری باعلام الهدی. (مصحح: آل البیت، ج ۱، چاپ اول). قم: انتشارات آل البیت.

عرفان، امیر محسن. (۱۳۹۵). مواجهه ائمه علیهم السلام با مدعیان مهدویت: گونه‌شناسی، سبک‌شناسی و شاخصه‌شناسی. قم: انتشارات مرکز تخصصی مهدویت.

فتحیه، عباس. (۱۳۹۶). همه گمراهند جز یمانی صاحب پرچم هدایت. بی‌جا: انتشارات انصار امام مهدی.

گروه تألیف باشگاه اندیشه. (۱۳۸۴). گزارش حجتیه. بی‌جا: انتشارات باشگاه اندیشه.

محمدحسن، سعد. (۱۹۵۳). المهدی فی الاسلام منذ اقدم العصور حتی الیوم دراسه وافیہ لتاریخها العقدی والسیاسی والادبی. مصر: انتشارات دار الکتاب العربی.

محمود احمد، بشیرالدین. (۲۰۱۵). الاحمدیه ای الاسلام الحقیقی (مترجم: عبدالمجید عامر). لندن: انتشارات بین المللی اسلام.

مفید، محمدبن محمد. (۱۴۱۳ق). الارشاد فی معرفه حجج الله علی العباد (محقق: موسسه آل البيت علیه السلام). قم: ناشر کنگره شیخ مفید.

منتظر المهدی، امیر. (۱۴۰۱). در دین اسلام، «محاربه» به چه معناست و «محارب» به چه کسی گفته می‌شود؟ آیا اعمالی که حکومت ایران محاربه می‌شمارد و مرتکبان آن‌ها را به اعدام محکوم می‌کند، مصداق محاربه و مستوجب اعدام هستند؟ [پرسش و پاسخ وب]. بازیابی شده در ۲۰ خرداد ۱۴۰۴ از:

<https://B2n.ir/ju7418>

ناشی اکبر، عبدالله بن محمد. (۱۳۸۶). فرقه‌های اسلامی و مسئله امامت (مترجم: علیرضا ایمانی). قم: نشر مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب.

نجفی، سید محمدباقر. (۱۳۸۳). بهائیان. قم: نشر معشر.

نوبختی، حسن بن موسی. (۱۴۰۴). فرق الشیعه. بیروت: نشر دار الاضواء.

هاشمی خراسانی، منصور. (۱۴۰۰). بازگشت به اسلام (چاپ هفتم). بلخ: دفتر حفظ و نشر آثار منصور هاشمی خراسانی.

هاشمی خراسانی، منصور. (۱۳۹۸). مناهج الرسول (چاپ ششم). بلخ: دفتر حفظ و نشر آثار منصور هاشمی خراسانی.

یعقوب. (۱۳۹۴). مهدی چند سال حکومت می‌کند و بعد از مهدی زندگی چگونه پایان می‌پذیرد؟ چون مهدی آخرین منجی است و بعد از آن دیگر امام یا خلیفه‌ای تعیین نشده. مهدی چگونه با شمشیر به جنگ با سلاح‌های روز می‌رود؟ [پرسش و پاسخ وب]. بازیابی شده در ۲ اردیبهشت ۱۴۰۴ از:

<https://B2n.ir/kt9913>

Barker, E. (1984). *The making of a Moonie: Choice or brainwashing?* Oxford: Blackwell Publishers.

- Weber, M. (1978). *Economy and society: An outline of interpretive sociology* (G. Roth & C. Wittich, Eds.), Vol. 1, Berkeley: University of California Press.
- Wessinger, C. (2000). *How the Millennium Comes Violently: From Jonestown to Heaven's Gate*. New York: Seven Bridges Press.